

مهمترین طریق حفظ استقلال کشور
شوروی از منطقه خاورمیانه
حفاظت از منابع نفتی و گاز بود.
زمانی که ایران به استقلال متفقین
درآمد. هنوز در حال پیشروی و نفوذ
به اعماق خاک شوروی نبود. آلمانی ها
تا امتالیفنگراد هم پیشروی کرده
بودند. هدف آلمانی ها - براساس
چیزی که در اسناد هوان شده -
رسیدن به منابع نفتی باکو بود. اگر
آلمانی ها به نفت باکو دسترسی پیدا
می کردند، توان می توانستند با
قطع و یقین، من توانستند سادت
فلواری تری به جنگ ادامه دهد.
شوروی ها از اشغال کشور خود و
دسترسی آلمانی ها به منابع نفتی باکو
می ترسیدند و انگلیسی ها نیز از این
واهمه داشتند که نیروهای آلمانی به
خاک ایران سرازیر شوند و به
هندوستان نزدیک شوند چرا که هند
هنوز مستعمره انگلستان بود. اشغال
ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰
مربوط به رقابت های نفتی و منابع
قدرت های غربی در منطقه خاورمیانه
و خلیج فارس بود و هیچ ارتباطی با
منافع و مصالح ایران نداشت. مردم
ایران با ورود متفقین از رفتن رضاخان
استقبال کردند و ارتش ایران حتی چک
گلوله به طرف انگلیسی ها شلیک
نکرد. فقط گروه کوچکی از نیروی
دریایی ایران به فرماندهی دریاوار
پانجو سه ماهی جنگ از سواست های
دولت مرکزی انگلیس تعلقند - در
خلیج فارس مقاومت کردند و کشته
شدند. شلیک و انفجار زیادی وجود
نارذ که نشان می دهد رضاخان هیچ
گواهی به اتمام عملی نفوذی نداشته
بلکه دست نهاده انگلیسی ها بوده
است. به هوان نمونه می توان از
معصوم جهانسوزی نام برد که مترجم
کتاب "نبرد من" نوشته هتلر بود. او
الفیر جوانی بود که عمده ای از به جور
خود جمع کرده بود و فعالیت های
تاریخی می کرد که در دوره رضاخان
و به دستور شخص رضا شاه آنها را

اشاره بسیاری از رویدادهای که در
کشور ما به ویژه کشورهایی چون ایران
که در منطقه ای مهم از نظر استراتژی
قرار گرفته اند و به دلیل دار بودن منابع
مهم چون نفت، گاز، سرباره مورد توجه
کشورهای قدرتمند و اشغالگر
بوده اند. از سوی می دهند. پس توان
با تمامی فعالیت های در نظر گرفتن
پیشه های تاریخی، سیاسی و اقتصادی
آن فعالیت نمود. با این پیش زمینه و با
توجه به این که دکتر حسین آبهان نیز
در کتاب "مردم" - در دهه واپسین
حکومت پهلوی - شناخت ابعاد و
اصول تحولات معاصر کشور را بدون
توجه به شناخت ارتباط شبکه های
چنان سیاسی به مابقی اقتصادی در
ایران معاصر امکان پذیر ندانسته اند.
کتاب و گویی را با ایشان پیرامون نقش
تاریخی سیاسی - اقتصادی در تاریخ
معاصر ایران انجام داده ایم. بخش اول
این کتاب و گویی در شماره گذشته انتشار
یافته بخش دوم در این شماره از نظر
خوانندگان گرامی می گذرد.

بخش اول از شهریور ۱۳۲۰ یکی از
فعالیت های شبکه به نظر فعالیت مشهوری
در ایران داشتند - و در ایران فعالیت
مهم در دوران حزب زحمتکشان دکتر مظفر
شیرازی است. چنانچه در مورد این شبکه
تاریخی فعالیت های آن روشیانی را ارائه
می دهیم. سراسر گوار فراهم شد.
این فعالیت های مهم بهتر انگیزه ها و
تاریخی فعالیت سیاسی دکتر مظفر
شیرازی است. شرایط ایران در جنگ
جهانی دوم، اشغال کشور توسط
متفقین و ظهور احزاب سیاسی را در
این تاریخ تاریخی مورد ارزیابی مجدد
می کنیم. انگیزه ای که از سوی
متفقین - به ویژه از طرف انگلیسی ها
در جنگ جهانی دوم برای اشغال
ایران هوان شد، نزدیکی ایران به
اتحاد شوروی و حضور ستون پنجم
آلمانی در ایران بود. اما براساس مدارک
و اسنادی که امروز در دسترس ما قرار
دارد شواهدی که نشان بدهد ایران
به اتحاد شوروی گرایش داشته -
در آن زمان وجود ندارد. - وجود ندارد.
دلیل اشغال اشغال ایران از سمت
شوروی و انگلیسی ها، حفاظت از
منابع نفتی ایران و خوزستان بود و



تاریخ معاصر ایران نقش متفقین در اشغال ایران

الفصل اول

تاریخ و نقش متفقین در اشغال ایران

گرفتند و ایرانیان کردند. ایرانیان با
 کلماتی بیژ و کلمه‌های مختلف
 انگلیسی همگونی تقاضای من کردند
 اما این همکاری‌ها تقاضای یک
 امر طبیعی در نظام جهانی آن روز
 به‌شمار می‌آمدند. **چگونگی**
 زمانی که انگلیس در ایران
 مشغول فعالیت بود، در پویش و استه
 خواران فقط متوجه می‌شدند
 خانم خرم‌نور که در پویش و استه
 نورنگی، سفارت انگلیس فعالیت
 می‌کرد. در مسئولیت پیگیری
 جان‌پوش‌ها، آلمان‌ها در ایران
 داشتند به این صفا اشاره می‌کردند این
 امر می‌تواند که از ایران گزارشی
 برای ایجاد انگلیس به روزنامه‌های
 انگلیس و سایرین برسد. **اما**
 اما واقعیت این است که
 انگلیس‌ها و وطن‌پرستان آنها بود
 که ایران را توسط کوشش‌های
 آلمان برای ایجاد کرد. **چنان**
 در مورد آن صحبت خواهیم کرد.
چگونگی **تاریخچه** **ایران**
 علاوه بر آنکه به این خاطر
 بود که انگلیس و آلمان
 کار خود را در ایران می‌کنند
 استعماری فعالیت
در **ایران** **همواره** **گرایش**
 تمایلی نسبت به آلمان‌ها وجود
 داشته. **مشروطه** **ایران** **آلمان** **دا**
 نیروی مهمی می‌باشند که همان
 روسیه و انگلیس توان برقراری کرد
 در دوره‌های بعد از امریکا و متولیان
 نیروی سوم یاد می‌شد. **در** **آن** **دوران**
 در ایران کمتر کسی بود که بتواند
 قلمرو و تقسیم‌ها به‌طور
 صیقلی از این گری در کوشش
 اینها گروه‌های مختلفی بودند که
 به‌شمار می‌رفتند. **ایران** **ایران**

آنها فعالیت می‌کنند. **عقیده** **اصلی**
 در خصوصیت نظامی از سفید شوروی
 در ایران بود و من از اشغال ایران در
 مهر ۱۳۲۰ اولین حزب سیاسی که
 تشکیل آمد، حزب توده بود. **ایرج**
 امیندوی و فریبون کشاورز. **نقلی**
 کرده‌اند و کشاورزی نیز باید می‌کند
 که این حزب با فعالیت ملی مستقیم
 سفارت شوروی در تهران آشنایی شد.
 همین امر مستقیم در ایران به‌طور قطع
 و یقین در راستای رقابت‌های
 جهانی می‌بود که در آن زمان اتفاق
 می‌افتاد. شوروی‌ها نیز قبلاً به دنبال
 منافع خود و به‌ویژه آوردن یک
 کمربند امنیتی برای جلوگیری از نفوذ
 قدرت‌های غربی از خاک شوروی
 بودند. **چرا** **که** **آنها** **تجربه** **داشتند** **و**
 می‌دانستند که زمان تأسیس حکومت
 ناسیونالیستی در انگلیس‌ها در
 دوره‌های قبلی فعالیت علیه آنها
 در حال فعالیت هستند و می‌دانستند
 که امتحان زنده‌سختی برای
 انگلیس‌ها در هر دیگر قدرت‌های
 سرمایه‌داری می‌تواند کمپانی‌های
 امپریالیست جهانی است. **برای**
 نزدیک شدن به مرزهای شوروی و
 انجام فعالیت‌های سیاسی. **با** **این**
 دیدگاه شوروی در آن زمان بود
 یک‌جانبه‌گرایانه در داخل ایران برای
 حفظ منافع خود بود. **به** **گفته** **خود**
 رهبران حزب توده از جمله احسان
 طبری و کیانوری نقطه‌مطلق توجه
 این حزب بیشتر فعالیت از منافع
 شوروی بود تا منافع ملی ایران. **چرا**
 که آنها اتحاد مسترانی یک با شوروی و
 همچنین دفاع از منافع شوروی را
 به عنوان دهر از دوگانه سوسیالیسم
 جهانی در راستای منافع ملی ایران
 ارزیابی می‌کردند. **همه** **اجزای** **که** **در**
 جنگ جهانی دوم بود از آن شکل
 گرفتند به‌طور کلی برای مقابله با نفوذ
 حزب توده و نفوذ شوروی در ایران بود.
 حزب توده فراگیر بود، منسجم‌ترین
 و تشکیل‌یافته‌ترین حزب بود که در
 تاریخ ایران ظهور کرده و در بین



گرفتند و ایرانیان کردند. ایرانیان با
 کلماتی بیژ و کلمه‌های مختلف
 انگلیسی همگونی تقاضای من کردند
 اما این همکاری‌ها تقاضای یک
 امر طبیعی در نظام جهانی آن روز
 به‌شمار می‌آمدند. **چگونگی**
 زمانی که انگلیس در ایران
 مشغول فعالیت بود، در پویش و استه
 خواران فقط متوجه می‌شدند
 خانم خرم‌نور که در پویش و استه
 نورنگی، سفارت انگلیس فعالیت
 می‌کرد. در مسئولیت پیگیری
 جان‌پوش‌ها، آلمان‌ها در ایران
 داشتند به این صفا اشاره می‌کردند این
 امر می‌تواند که از ایران گزارشی
 برای ایجاد انگلیس به روزنامه‌های
 انگلیس و سایرین برسد. **اما**
 اما واقعیت این است که
 انگلیس‌ها و وطن‌پرستان آنها بود
 که ایران را توسط کوشش‌های
 آلمان برای ایجاد کرد. **چنان**
 در مورد آن صحبت خواهیم کرد.
چگونگی **تاریخچه** **ایران**
 علاوه بر آنکه به این خاطر
 بود که انگلیس و آلمان
 کار خود را در ایران می‌کنند
 استعماری فعالیت
در **ایران** **همواره** **گرایش**
 تمایلی نسبت به آلمان‌ها وجود
 داشته. **مشروطه** **ایران** **آلمان** **دا**
 نیروی مهمی می‌باشند که همان
 روسیه و انگلیس توان برقراری کرد
 در دوره‌های بعد از امریکا و متولیان
 نیروی سوم یاد می‌شد. **در** **آن** **دوران**
 در ایران کمتر کسی بود که بتواند
 قلمرو و تقسیم‌ها به‌طور
 صیقلی از این گری در کوشش
 اینها گروه‌های مختلفی بودند که
 به‌شمار می‌رفتند. **ایران** **ایران**

گرفتند و ایرانیان کردند. ایرانیان با
 کلماتی بیژ و کلمه‌های مختلف
 انگلیسی همگونی تقاضای من کردند
 اما این همکاری‌ها تقاضای یک
 امر طبیعی در نظام جهانی آن روز
 به‌شمار می‌آمدند. **چگونگی**
 زمانی که انگلیس در ایران
 مشغول فعالیت بود، در پویش و استه
 خواران فقط متوجه می‌شدند
 خانم خرم‌نور که در پویش و استه
 نورنگی، سفارت انگلیس فعالیت
 می‌کرد. در مسئولیت پیگیری
 جان‌پوش‌ها، آلمان‌ها در ایران
 داشتند به این صفا اشاره می‌کردند این
 امر می‌تواند که از ایران گزارشی
 برای ایجاد انگلیس به روزنامه‌های
 انگلیس و سایرین برسد. **اما**
 اما واقعیت این است که
 انگلیس‌ها و وطن‌پرستان آنها بود
 که ایران را توسط کوشش‌های
 آلمان برای ایجاد کرد. **چنان**
 در مورد آن صحبت خواهیم کرد.
چگونگی **تاریخچه** **ایران**
 علاوه بر آنکه به این خاطر
 بود که انگلیس و آلمان
 کار خود را در ایران می‌کنند
 استعماری فعالیت
در **ایران** **همواره** **گرایش**
 تمایلی نسبت به آلمان‌ها وجود
 داشته. **مشروطه** **ایران** **آلمان** **دا**
 نیروی مهمی می‌باشند که همان
 روسیه و انگلیس توان برقراری کرد
 در دوره‌های بعد از امریکا و متولیان
 نیروی سوم یاد می‌شد. **در** **آن** **دوران**
 در ایران کمتر کسی بود که بتواند
 قلمرو و تقسیم‌ها به‌طور
 صیقلی از این گری در کوشش
 اینها گروه‌های مختلفی بودند که
 به‌شمار می‌رفتند. **ایران** **ایران**

ایران

میگفتند که غرب در ایران دارای منابعی است و یکی از مهم ترین منابع آن نفت است و غرب خصی توانا چشم خود را بر بحران نفتی که در ایران می گذرد پهنده (۲) دکتر مصدق نیز مخالف کمونیسم بود ولی هیچ گاه چنین ولجیمی نداشت که شوروی بخوابد ایران را در آینده ای نزدیک ببلعد چنین افکاری - تصرف ایران توسط شوروی - که از طریق مطبوعات که از غرب حمایت می کردند و فرزند ترسانان روحانیون و فودهای مردم بودند پراکنده می شد خطرناک بود و به شکل گیری جوانی همانند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انجامید. طریق ابتداء ایرانی و آمریکایی (۳) جرال دوجر جاسوسی که با پوشش وابسته مشاوره سفارت آمریکا در دوره سفارت جورج این و جان وایلی در تهران فعالیت می کرد نقش مهمی در توجیه نفوذ کمونیسم در ایران داشت دیدگاه های او حتی در وزارت خارجه آمریکا اغراق آمیز تلقی می شد خوبهاست بدانیم در مواردی مثل تحصیل و زوری رزم آرا همین دوره با نظامی مشورت می کرد (۴) حزب دیگری که دکتر بقایی دو آن عضویت داشت حزب کار متعلق به مشرف الدوله نفیسی بود که ارگان آن هم "روزنامه پند" بود البته حزب کور حزب شناخته شده ای نبود و گسترش و فعالیت آنچنانی نداشت و حزبی نخبه سالار بود اما در هر صورت همکاری بقایی با مشرف الدوله نفیسی دارای اهمیت است زمانی که بقایی در سال ۱۳۱۷ وارد ایران شد جوانی ۲۷ ساله بود در همین حال حسین حکومه رئیس دفتر رضاشاه نامه های محبت آمیزی به وی می نوشت در آن زمان بقایی هنوز از رضائه دکترای خود دفاع نکرده بود و چهره شناخته شده ای هم نبود. یکی از ویژگی های وی که سبب می شد رئیس دفتر رضاشاه خواهان ملاقات با ایشان شود پدر دکتر بقایی بود او

کمونیستی خود را اعلام نمی کرد و بر اساس دستور العملی که در دسترس مستعد بود در دوره جنگ دشمن عمده و خصم اصلی نظامیسم مطلقه ایست و اجازت برادر خود سر امر جهان پایدار از ایاز مرام کمونیستی خود در صورتی که در کشور بحرانی به وجود آورد خود را بر کتله عین می کرد حتی تا سال ۱۳۳۳ جز به حزب توجه مطبعت خود و شهرت عقه محدودی (۱) می داشتند

● در ادامه مسران حزب توده هم مطبعت بود که حزب توده از ابتدا یکی جنبه ضد فاشیست بود

● بنده حزب توده از همان آغاز در مدرسه نفوذ نیروهای انگلیسی قرار گرفت بر اساس اطلاع مشاوره و استاد زکن که ارتش و حتی افرادی با عزم صهیونیستی هم تر حزب توده نفوذ کردند این صهیونیست ها در حقیقت ستون پنجه نهایی سرمایه داری و رهبران جهان سرمایه داری بودند آنها به عنوان شاخه های سازماندهی در زمان تشکیلات نفوذ کردند در آن زمان روش تفکر آن ها گرایش ضد بدین نسبت به حزب توده داشتند اما همان نیز همچون دیگر بقایی از مصدق آغاز شدند کاملاً آگاهانه و هموار آگاهی با حزب توده و شوروی نشان می دادند این شهیدت در حقیقت در پیشانی تاریخ و حقیقت داشتند در زمان تحصیل دکتر بقایی حزب پارسیه افرادی در اطراف وی تشکیل شده بود که افرادی همچون دکتر همین شهیدی و مصدق دیگر از دوستان بسیار نزدیک بقایی را شامل می شد دکتر همین شهیدی از دوستان بسیار نزدیک بقایی بود وی انسان بسیار مؤثری بود مشرف ایاز مرام کمونیست از حزب کور و باستان انجمنی علاوه هم این است که به گمان من وی از یک موجهی می با فعالیت و مرام اشتراکی مخالفت نمی کرد او بعدها هم در آستانه انقلاب ایستاد و بعد از انقلاب نیز



از راست به چپ: آبرو لفظی پستانی، ایراهیم حکیمی، دکتر سمید نایک



بقایی در سال ۱۳۲۵

بسیار نزدیک بقایی را شامل می شد دکتر همین شهیدی از دوستان بسیار نزدیک بقایی بود وی انسان بسیار مؤثری بود مشرف ایاز مرام کمونیست از حزب کور و باستان انجمنی علاوه هم این است که به گمان من وی از یک موجهی می با فعالیت و مرام اشتراکی مخالفت نمی کرد او بعدها هم در آستانه انقلاب ایستاد و بعد از انقلاب نیز



مصطفی قاسبی



علی زهری

من باشد در نتیجه ممکن از مکان هایی که جنگلی ها به آن حمله کردند، بانک شاهی بود. از این رو، پس از شورش جنگلی ها خانواده ابتهاج از رشت متواری شدند و در تهران اسکان یافتند. یکی از برادران ابوالحسن ابتهاج به نام غلامحسین بنیادگلو شرکت ایران تور در تهران بود که کارهای این شرکت این بود که در طول دوره فعالیتش فاشیست ها و نازی ها، یهودیانی را که از کشورهای اروپای شرقی رانده می شدند و ایران می آورد و از طریق ایران آنها را روانه سربازستان فلسطین می کرد. سید محمدباقر طباطبائی نیز در این فعالیت ها شرکت داشته. بسیاری از یهودان ایران نیز در آن دوران از این طریق به سربازستان فلسطین فرستاده شدند. اسناد آن نیز توسط میرامان اسناد ملی منتشر یافته است (۱۶). به جز حال تمام این کمیته های فتن در ایران به دنبال ابتهاج رفت. خدایا! بودند البته گرفتار اخبار نفت به خودی خود دارای اهمیت نیست بلکه بهجت اصلی این است که همان فعالیت های کمیته های فتن در دوران جنگ جهانی دوم کاملاً جهت دار بوده است و آنها در مقابله در پوشش فعالیت های فتن کارهای اطلاعاتی می کردند. یکی از همین دلایل، ماکس تورنبرگ (Max W. Thornburg) متوجه فرماندهان سابق در کاتدریگ تهران تا کاراکس در مورد فعالیت های عجیب و مشکوک وی توضیحاتی می دهد، اما وارد جزئیات نمی شود اما طبق اسنادی که در خانه ماکس یافت می شود، برای بقای به دست می آید و براساس نامه های که منضم به رفیق زاده در دوران تحصیل در آمریکا برای بقای من فرستاده ماکس تورنبرگ عضو این کمیته آمریکایی دوستداران خاورمیانه بود. این انجمن پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط سیا تأسیس شد (۱۷). از سوی دیگر هم کاگبه هم از طریق

هسته های امنیتی این که به وجود آورده بود در ایران فعالیت داشتند. سرتیگران مقربین از دوران جنگ جهانی دوم برای کار با جاسوسان من کرد اما در سال ۱۳۵۴ فرستاده در مجموع فعالیت های جاسوسان و اطلاعاتی در ایران که در آن زمان می شد که گروهی از بیسی سازمان میانی آمده بودند و قصد داشتند از او بی بهره بمانند. در بعضی از منابع گفته شده که همت اجازه بازجویی از وی را نداد. البته من گفتار امین گنم که شاه در آن زمان از چنان قدرتی نداشت که بتواند او را بازجویی بکند. فرد توسط سازمان سیا بازجو گیری کند. اگر می گذاشت او را محاکمه کنند. بهمان بهتر بود و موجب می شد این شبکه شناسایی می شود. بررسی این موضوع که چرا شاه نگذاشت سرتیگر مقربین محاکمه می شود. فرد بهجت مصطفی من اطلاعاتی بسیار از این فعالیت های جاسوسان و جاسوسان برای تسلط بر منابع نفتی کشورها و تأثیرات دولت های دست نشانده بود در ظهور و سقوط این رژیم و کتابخانه ها، بخوانید. متفکر اقتصاد، فقر و بیچارگی مردم و ... اثر جدی می گذاشت. تأثیرات این دوران جنگ جهانی دوم با ورود به حزب سیاسی و دیدار کردن دوستان دوستان شماست. سازمان و رؤیای نگارانی مقتصد و روح پرورش خود به سوی فعالیت های سیاسی را به وجود می دهد. فعالیت های این فعالیت ها شرکت در انتخابات مجلس هفتم می توان گفت که این حزب در دوران آن دوران حزب اتحاد ملی و حزب کار منحل شده بود. حزب سوسیالیست مصطفی قاسبی نیز دیگر آنه مانند گذشته فعالیت می داشت. تنها حزب قدرتمند آن زمان حزب توده بود. تمامی افرادی که در آن دوران به وجود آمده بود برای آنها از تخریب توده بود. با این وجود و حتی از طریق

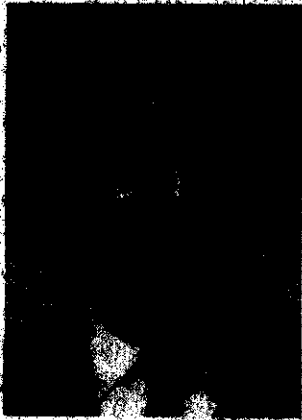
اجزای رقیب همانند گروه یوسف اختیاری که سیدکاین کارگویی برای مقابله با شورای متحده مرکزی به وجود آورده بود و طرایی گرایش های تروتسکیستی هم بود (۱۲). نتوانستند حزب توده را بهار کنند. از آنجا که توده اصلی بقایی با شوروی بود، وارد حزب همکرات قوام شد. ورود وی به حزب همکرات قوام هم دلیل داشت. نخست به خاطر این که فعالیت های خود را ادامه دهد و دیگر این که به جهت همکاری با فرد قدرتمندی چون قوام بتواند وارد پارلمان بشود. یعنی دلیل اصلی نزدیکی دکتر بقایی به قوام ورود به مجلس بود. چرا که وی از هیچ راه دیگری نمی توانست وارد پارلمان شود و حزب همکرات قوام فراگیرترین حزب بود که در کشور وجه داشت. یعنی شما هیچ گونه روزگاری معرفت طبیبی برای دکتر بقایی قائل نیستید؟ یعنی نمی توانیم گویند در فکر گرفت که از توده بقایی به حزب همکرات قوام به این دلیل بود که وی در فرانسه فلسفه خوانده بود و تحت تأثیر جو لیبرال دموکراسی آمریکا قرار داشت و به همین جهت بین توده با دیدگاه های کمونیستی فزونی قائل بود؟

● بالاخری که دکتر بقایی سر این احزاب می آورد نشان می دهد که نوع هیچ اعتقادی به لیبرال دموکراسی نداشته. به عنوان مثال وی زمانی که من خوانست از حزب همکرات قوام بیرون باید نامه های شدیدالحن به رهبر حزب توفت و توده های حزبی را علیه رهبری حزب تحریک کرد به طوری که حزب همکرات پس از بیرون آمدن بقایی از آن از هم متلاطم شد (۱۳). وی با بهجت ملی نیز چنین کاری کرد. ابتدا با اهداف و نیات خاصی به حزب وارد می شد و پس از رسیدن به نیات خود آن تکنیکالات را از درون متلاطم می کرد. با وجود این که دکتر بقایی در تمام طول زندگی خود هارای استراژی مشخص بود، اما شما

می توانید. انواع زیگراگ زدن و نوسان‌ها را در زندگی ایشان مشاهده کنید همکارانی با افراد متفاوتی همچون سهام‌السلطان بیات، محمدعلی مسعودی، فضل‌الله زاهدی، قوام و از همه بهتر اسدالله علم. نکته مهم این است که ما می‌بینیم زمانی که در کشور دولتی قدرتمند وجود داشته و از طریق نیروهای امنیتی یا ارتش اعمال قدرتی می‌کرده از افرادی مانند بقایی صفتی در نمی‌آمده اما تا در کشور فضایی دموکراتیک به وجود می‌آید، آنها اعتراض کرده و مبرو صدا ایجاد می‌کردند. بقایی به صراحت در اعتراضی که به لایحه امنیت اجتماعی مصدق کرد، می‌گفت این لیبرال بازی دکتر مصدق در نهایت کار نیست ما خواهی‌تجد در مجلس غفیف نظق بقایی علیه لایحه امنیت اجتماعی دکتر مصدق را به صورت یک جزوه منتشر گرفت و وی هم با گروه‌هایی که فشار عدالت اجتماعی می‌دادند مخالف بود و هم با گروه‌های لیبرالی دموکرات، من به هیچ مدرک و شانه‌ای که نشان بدهد دکتر بقایی به مکتب فکری خاصی متعلق داشته برخورد نکردم و در چنین نیز ندیده‌ام که کسی به این موضوع - که ایشان متأثر از فیلسوفی یا مکتب فکری خاصی بوده باشد - اشاره‌ای بکند. وی پس از این که از طریق حزب دموکرات قوام وارد مجلس شد و به نیت خود رسید نامه شکایتی علیه قوام نوشت و سیاست‌های وی را مورد انتقاد قرار داد آنها برای تحت فشار قرار دادن قوام در مجلس پانزدهم مطرح کردند که دولت به هیچ عنوان حق ندارد قرارداد نفتی منعقد کند مگر این که به تصویب مجلس برسد. همین مسئله را دکتر مصدق در مجلس چهاردهم پیشنهاد کرده بود. البته پیشنهاد دکتر مصدق بر اساس مصالح علمی کشور بود و وی در چارچوب سیاست موازنه اجنبی نه

جانب شوروی‌ها را گرفته و نه کمپانی‌های غربی را. در مجلس پانزدهم روی همین لایحه دست گذاشتند و تمامی وجه‌های را که قوام به سادجیکوف (مقاربه‌نامه قوام - سادجیکوف) داده بود، ملغی کردند در حالی که نیروهای شوروی از کشور خارج شده بودند و هیچ خطاری هم نمی‌توانستند بکنند. در همان دوران که این حوادث اتفاق افتاد، بقایی در همسویی با دربار یعنی شاه اشرف و ملکه مادر قرار داشت. آنها به هیچ وجه چشم دیدن قوام را نداشتند چرا که قوام سیاست‌مدار فکور و توانمندی بود که قانون اساسی مشروطه را به اجرا می‌برد. بقایی هم باید تسلیمت کند به حکومت وی حتی برخلاف میل شاه مشاور غریب‌کنده وی یعنی میرزا کریم خان رشتی را نیز بازداشت کرد. یکی از عوامل اصلی دسیسه‌ها شخص دکتر بقایی بود. وی پس از نوشتن آن نامه تند به قوام - که نخست‌وزیر کشور به شمار می‌رفت - همراه با خسرو هفتاد و گروهی از اوباش به دفتر عزراکزی حزب دموکرات قوام حمله کردند و کلوب حزب را به تصرف خود در آورده، آنها اقدام کردند و خانه‌ها را محاصره کردند و هواپاز قوام را از حزب بیرون کردند. چند روز پس از آن هم قوام سرنگون شد. خسرو هدایت که با دکتر بقایی در تصرف دفتر حزب قوام همکاری داشت، رئیس تشکیلاتی بود به نام اتحادیه سنی‌کامانی کارگری ایران با نام اختصاری (اسکی). این تشکیلات برای مقابله با تشکیلات کارگری و دهقانی حزب توده تأسیس شده بود. خسرو هدایت از خانواده مشهوری بود که از دوره قاجار در ایران فعالیت سیاسی داشتند. هیچ‌کس در این امر تردیدی ندارد که خسرو هدایت در طول فعالیت سیاسی خود همواره از هواداران انگلیس به شمار می‌رفت و از منافع بریتانیا در ایران - به هر طریقی - حمایت می‌کرده است. همکاری

دکتر بقایی با خسرو هدایت در نوع خود واحد است. این دو در کنار این تحولات تلخ دوره مجلس پانزدهم در کنار رود و با نظری امتیاز نصیب شمال به شوروی‌ها فعالیت‌های کمپانی‌های غربی در ایران نمایندگی کردند. هر از گاه امری که می‌توانست به نفع اقتصادی غرب خرابی‌های ایران بود تحت اشغال انگلیس بر طایف نفتی ایران بود تا آنکه از حوزه مشروطیت کمپانی‌های رقیب ایرانی به نفع باقی‌مانده نفت ایران. با شرکت نفت انگلیس و ایران رقابت داشتند. در دوره بعد از جنگ جهانی دوم این رقابت شدت پیدا کرد و امری که تا آن زمان به شکل جدی خود را نگرفته بود، در ایران زمین کردند کم کم هر جزایات متعلق ایران نیز متعلق به انگلیس از مهم‌ترین موضوع آن دوران انگلیس یکی از شیوه‌های استخراج منابع ایران در سال ۱۹۳۷ بود که از نظر اقتصادی شمه‌هایی پیدا کرد و مورد توجه به حساب می‌آمد. بسیاری با عنوان وابسته عثمانی، وابسته نظامی و وابسته اقتصادی در این فعالیت‌ها شرکت کرده و به نفع خود ناموران سید به کشور می‌رفتند. فعالیت سازمان سیا پس از آن که جهان دوم در ایران متصرف به متحد و کمرش نشاند شوروی در داخل کشور منابع به دست می‌دادند. این موضوع من برداشتند که در صورت حمله شوروی به ایران چگونه عملیات پارترالی و جنگ و گریز را می‌توانند و از چه جهت‌هایی به نیروهای شوروی مقابله کنند. از آن زمان امری که ها یا عنوان وابسته عثمانی در میان قبایل و عشایر ایران نمود کردند. پس از این نفوذ در قبایل و عشایر ایران به انگلیسی‌ها منحصراً می‌شد. مهم‌ترین دلیل فعالیت وابسته‌های عثمانی آمریکا در مناطق عشایر منطقه آذربایجان مرکز استان بود. جهت فعالیت ناموران سید در پوشش وابسته عثمانی و یا وابسته کارگری فعالیت



دکتر باخشی



دکتر طالبی

می کردند. گفتیم وابسته عشایری فردی بود به نام جرال دوهر (Gerald F. P. Doohar) که علاوه بر داشتن ارتباطات وسیع با عشایر ایران، با نیروهای نظامی همانند فضل الله زاهدی، با نمایندگان مجلس و دولتمردانی چون سیدمهدی میراشرافی - سرمایه دار مشهور اصفهانی که بعد از انقلاب اعلام شد - ارتباط داشت. میراشرافی در مصاحبه کرج داشت که خود وی را «کلی» و ولز (W. L. W. W.) مستشار سیاسی سفارت و «دوهر» را «دوهر» می نامید. ولایت گری یکی از سیاستمداران بلند پایه ای که در گذشته تاریخ جمهوری را همواره منظر افکندن و در نظر داشت.

من در سال ۱۵۰۰ در مشهد آمدم و در آنجا با دوهر (۱۶) دیدم. او در حضور دکتر بقایی، دو آفر اشاره شده است. همچنین امریکایی ها وابسته کارگری نیز داشتند. این فرد قبیح نام داشت و وظیفه اش نفوذ در کارخانه ها و کارگاه ها و مقابله با نفوذ توده های ما در آنجا بود.

دوهر در آن زمان در تهران ساکن بود و در آنجا با دوهر (۱۶) دیدم. او در حضور دکتر بقایی، دو آفر اشاره شده است. همچنین امریکایی ها وابسته کارگری نیز داشتند. این فرد قبیح نام داشت و وظیفه اش نفوذ در کارخانه ها و کارگاه ها و مقابله با نفوذ توده های ما در آنجا بود.

محمود جعفریان هم تودهای بودند. می تانید که او را به بعد از انقلاب می توان دید. دربار شدیدی با امری، با ولایت گری و دوهر هم در مورد علیرضا می گفتند. پرویزی استغفور انصافی شد. جعفریان هم رئیس راجو تودهای بود. در آن زمان نفوذ این تودها در ولایت مشکوک بود. برخی تودهای ها می زدند که معدوم می شدند. توطئه ها را کار کرده - یعنی این توطئه ها یعنی کسانی که ظاهرش تودهای ما اما به واقع جلالت انگلیس هستند. این تودها در تهران و سایر نقاط ایران به کار می رفتند. کار می کردند. این تودها در تهران و سایر نقاط ایران به کار می رفتند. کار می کردند. این تودها در تهران و سایر نقاط ایران به کار می رفتند. کار می کردند.

میراشرافی، هدایت الله، گری و دوهر و سایرین در تهران و سایر نقاط ایران به کار می رفتند. کار می کردند. این تودها در تهران و سایر نقاط ایران به کار می رفتند. کار می کردند. این تودها در تهران و سایر نقاط ایران به کار می رفتند. کار می کردند.

مسائل نمی توانیم کاملاً تصدیق رخ فاده باشند. تا آنجا که من اطلاع دارم دکتر بقایی پژوهشگر ایران نیست. از اسلام نبودند. خود هم از چنگ جهانی خود یک ضلع فعالیت های جلیوس، بلوو و پروتز بود. و ضلع دیگر آن نیز به همین رایج زینت و دیگری دو هزار سال قبل است. سلیمان بنیامین که نامش به نام بنیامین (Benjamin) به وجود آورد بود. که وظیفه اش تولید وحشت علیه کمونیسم بود. بنابراین پایگاه سیا به شدت فعال بود و همان سوییس های لهستانی غرب برای مقابله با بلوک شرق همکاری های بسیار نزدیکی وجود داشتند. پس از جلیوس پانزدهم طریق آمدند. دکتر بقایی برای مدتی انگیزه اش را برای اندام فعالیت ریجانی او دست می زد. بیشتر در مجالس ۱۳۳۲ هم این وضعیت برای بقایی پیش آمده بود که سیدمهدی زاهدی به او نوشتش می نوشتند. بقایی اصلی خود را فراموش نکرده بود. بار هم علی زهری را نظای به وی می نویسد. در آن نامه به بقایی می گوید که اگر حرف های برای گفتن دارید و پیشنهادی دارید و پیشنهادی دارید، شما نمی دانید من آماتور جفت نیستم. گشاده را در اختیار دارم. شما این را به روزنامه تبدیل کنید. که همین کار را نیز کردند. شاید یکی از روزنامه های بود که در بورج توهم کمونیسم مقالات و کارهای تودهای اجانب می کردند. در اینها لازم است به مسئله ای اشاره کنم که پیش از این فراموش کرده بودم. جگوبوب و آن مقاله دکتر بقایی با لایحه انقلابی گویی گشاده است. این پرسش در اینها مطرح می شود که چرا دکتر بقایی در مقابل ما این لایحه ایستادگی کرد؟ استاد فغان می دهد که بقایی بنظر من علیه لایحه گلشاهی را دکتر بقایی سیدمهدی نوشته بود. حتی سیدمهدی همش بقایی کرده بود که ممکن است بهنگام



خوالتین این عملی توسط آقایین
نمیباشد که مجلسین همسوزت فرمایشی
پدوسی باعتراف کنند و پاسخی که
بناهی نباید به نظرندگان معترضین
می داد با همه هم روی گرفته بود این
نهایی می دهد که این اشتیاق
سناز بویی او پیشی طراحین دیده
بود (۱۸) من معتقدم که مخالفت
دکتر بقایی با لایحه گسیه کشافیان
در راستی منافع شوکدهای بزرگ
چشم اندیش و کمپانی های امریکایی و
کمپانی رومیال داغ فل بود که بعدیال
شکست این خصوصاً نفتی انگلیس بودند
و گرفته به چه دلیلی ایشان که تداوم
زمین شیاختن نسبت به مسائل نفتی
نظمت باید چنین ورود بانکها نمای
به این عرصه داشتند تا ابتدا و در صورت
مسائل نفتی آنها را نظر کنند
چنانچه از مهندس حسین نقل کرده که
نقل می را علیه قرار داد گسیه
گشایان او به کرده بود در آن زمان
مکالمه مهندس حسین القاب
داشت

● اگر حوادث بعدی اتفاق
بسی اتفاق اگر شاهد نقش دکتر بقایی
در تصمیم حکومت دکتر مصدق
نموده و مشارکت همدا به ایشان را
در حوادث منجر به کودتای ۲۸ مرداد
۱۳۳۲ نیز دیدیم شاید تا این حد
بدهدانه از دوره ایشان قضاوت
نمی کردیم

در اینجا لازم است یادآوری کنیم
که از نظر من کشف اسناد خطه سلطان
نیز مسئله ای از پیش طراحین شده
توسط عوامل همان کمپانی های
فرامیتی بود از کسانی که در کشف
اسناد خانه سدان (Sedan)
همکاری داشتند می توان به آقای
امیر حسین پاکرول - کارمند شرکت
نفت انگلیس و ایران از خانواده مشهور
پاکرول که بعدها یکی از اعضای آن
خانواده هم به ریاست سلواک رسید -
خسرو هدایت قبیل الله زاهدی و
محمدعلی مسعودی اشاره کرد اسناد
خانه سلطان زمانی پیدا شد که چند ماه

از علی دستان اشتیاق کشید ایران
می گفتند و قرار بود شرکت ایرانی به
دیوان بین المللی لایحه برون پریشانی
مهم این لایحه که نمایانگر گسیه کشاف
به واقع این قدر بی مزه لایحه و بی فکر
بود که که اشتیاق طریقه بندی شده و
محرزانه خود را در گاو سندیق شرکت
نفت انگلیس گذاشت و نکته مهم در این که
آنها اشتیاق به این جهشی را در یک
گویی بین خطه و این برآ پشت یک
ماشین می انداختند و به فرویدگاه
میرآباد می بردند اگر گفتی با در
مورد انگلیسین آنها این گونه باشد پس
باید گفته این همه ظرافت و پیچیدگی
که سناز در فتاوی سراسری آنها در میر
زبان هاسیبه افسانه ای پیش نرسیده
گفته شد که آنها چنین انگلیسین جلاو
فرویدگان نفتی بودند و گویند که عا
منتظر رسیدن اسناد هستیم و هوا می
را به خاطر این اسناد نگذاشته ایم
دو کجایی دنیا چنین چیزی وجود دارد
که اسناد محرمانه ای را بخوانند
منتقل کنند و ظن بر نند و بگویند که
عالم منتظر این اسناد هستیم؟ خود
دکتر بقایی رهبر حاضران بین گروه
دکتر مصدق گفته بود امکان
چنین بودن این اسناد وجود ندارد و
بقایی هم اشاره می کند که از اولین
لظهار نظر به شدت حساساتی شده
است (۱۹) موضوع معتقد بود که این
یک بوجاه و دعیته بوده با ذهن حیه
را از مسائل اقلیتی بیخبر کند
در حقیقت باید گفت در راستای احصا
اصول که در کنار جنبش ملی شدن
صنعت نفت توجه داشت یک خط
انحرافی توسط لایحه های سناز میگذرد
در دنیای غرب از طریق ایجاد یک
گروه سیاسی شکل گرفت که در ظاهر
شعار ملی شدن نفت سر می دادند اما
هدایت اصلی شان شرکت دادن
کمپانی های فرامیتی و خطریاک در
مسائل نفتی ایران بود آنها را عا
شماره ملی شدن نفت می دانند اما در
اصل بیاطالی این بود که سناز و
که پیش از این یک سوچه داشت

پس بحران اسنادی ایران و انگلیس
بود که سناز در این باره گفتار سوم
نفسی در سناز به نظر من نشانی
گسیه کشاف نفتی به مراتب خفیه تر
از اسنادی است که به یک شرکت نفتی
خارجی بود پس از کودتای ۲۸ مرداد
ما دیگر با یک دولت طریقه بندی
بلکه با کمپانی های غیر ایرانی غیر و گاو
داشتیم که در همسویی از صمیمیت های
بین المللی در کشورهایی نفت خیز دنیا
توجه و تزویر و ایران نسبت
داشتند

● حقیقتاً اسناد دکتر مصدق
دکتر حسین قاضی به ملی شدن نفت
بسیار حقیقی بود به طوری که حتی اشاعه
در وسیع بود که گوییم معجزه و زین
امیر خاکیان می کرد که به شام پیشهاد
بروم زین قانون ملی شدن نفت را می داد
گفت که ناموس ناموس در ایران از قدر
قدرتند است که اگر این کار را بکنیم
حتماً متروکی خواهیم شد و سناز
باید گفته که امریکایی ها با قوتون
ملی شدن نفت موافق نبودند و اینها
شعار را تا آنها نبرد داشتند که نقش
ایران از دست انگلیس خارج شود و به
دست آنها باشد شکل تا این پیش از
باید گفت که فرامیتی حاضر در این قضای
بسیار طرح ملی شدن نفت و سناز
خود یک رنگه نظری در مورد پیش
ملی شدن نفت به شمار می رود

● سخن به حقیقت بین آنها یک خط
نقوی بودند که از پشت ملی شدن
نفت به خاطر منافع همان کمپانی
اقتصادی را در نظر گرفته بودند و این
نرم گوییم که تمام فکله های بقایی
عاشقانه و آگاهانه بود ولی به هر حال
در رست و میبری قرار گرفت که نه
زبان مصالح و منافع ملی کشور بود
در آن زمان بر سر مسائل نفتی دو
جناح وجود داشتند نخست جناح اصیل
به رهبری دکتر مصدق بود که اعتقاد
داشت تولید چیزی و فروش نفت باید
در اختیار ایرانی ها باشد اما جناح دیگر
شامل افرادی چون دکتر بقایی بود که
به هر جهت در روزنامه شاهد اشاره
می کرد که خطه ای ملی شدن نفت
این است که تولید و انبار نفتی

میدریت شوکت نفت بر جده است
ایرانی ها باشند ولی ما توانایی فروش
نفت را نداریم یعنی بقایی پیشهاد
تشکیل یک کمپانی سوم نفتی را برای
فروش نفت داد اما دکتر مصدق معتقد
بود که این وضعیت به مراتب
خطریاکتر از فروش نفت به وسیله
انگلیسین است چرا که ما را با دنیا
رو در رو قرار می دهد

● اینها در اسناد و منابع تاریخی نیز
آمده که در بقایی چنین پیشنهاد را
دادند؟

● بله من در زندگنامه حسین
دکتر بقایی اسناد و منابع تاریخی را
لورده امرا را روی خطه به
دکتر مصدق گفته بود که هدف ما
بستن خبر نفت نبود اما دکتر مصدق
در پاسخ به او اشاره می کرد که تا
زمانی که تولید توزیع و فروش نفت
به دست ایرانی ها نماند و سود آن به
جنبه ایرانی ها سرازیر نشود آن را به
هیچ جا نمی گرویم در حقیقت
دکتر مصدق مخالف فروش نفت نبود
بلکه می گفت نفت متعلق به
ایرانی ها است و خود آنها باید قیمت
نفت را تعیین کنند و هر مورد آن
سیاست گذاری نمایند این حاضر نبود
به شواهد انگلیسین حاضر شده
دکتر بقایی در خطی به دکتر مصدق
گفته بود که چرا شما به شرایط بانک
جهان من هیچ توجهی در حالتی که
شرایط بانک جهانی به مراتب بهتر از
شرایط شرکت نفت انگلیس و ایران
بود اما دکتر مصدق زیر بار سناز روی
باتک جهانی و صندوق بین المللی پول
نمی رفت بر اساس برزیس های دکتر
انور خاکی ای و برخی کارشناسان در
زمان حکومت دکتر مصدق و هر
خطی که کشور فروش نفت بداند و
غری در بحران بود و هر روز آموین
ایجاد می شد توان بازگانی ایران مثبت
بود یعنی آن هجوم بحرانی ها و
دیده ها از سوی نیروهای نظامی
سیاستمداران و نمایندگان مجلسین
هالی و دکتر مصدق در این باره

توانست موفقیت بزرگی به دست آورد و موفقیت بزرگتر ایشان این بود که وی در حالی که می دانست کسانی که حال دسیسه و توطئه علیه او هستند آنها را دستگیر نمی کرد و در همه حال به ضوابط و الزامات دموکراسی و مشروطیت پای بند بود. او همان طور که به توده های ها کاری نداشت. بنا گروه هایی چون حزب سومکا نیز کاری نداشت. در حالی که این حزب هر روز علیه مصدق شعار می داد. مصدق فرد دموکراتی بود و توانست توازن اقتصادی را نیز در کشور برقرار کند. برخی گمان می کنند که دکتر بقایی پس از ماجرای ۲۰ تیر ۱۳۳۱ از دکتر مصدق جدا شد، اما این گونه نیست. خود وی در خاطرات و دست نوشته هایش می نویسد من از کسانی بودم که ابتدا دکتر مصدق را به عنوان رهبر ملی شدن نفت مطرح کردم، زیرا جوان بودم و دکتر مصدق پسر و بیمار بود و من گمان می کردم مرا معلول نجیب ستودیز می کنند و تمام امور را به دست می گیرم. خود وی می گوید که من فرد دوم در چنین ملی شدن نفت بودم، البته دروغ هم نمی گوید. شما می دانید که وی نفر دوم انتخابات مجلس شاکتوهم شد. یعنی بالاترین رأی بعد از دکتر مصدق را آورد. همین مسئله نشان می دهد که وی در عرصه سیاسی فرد موفقین بوده است.

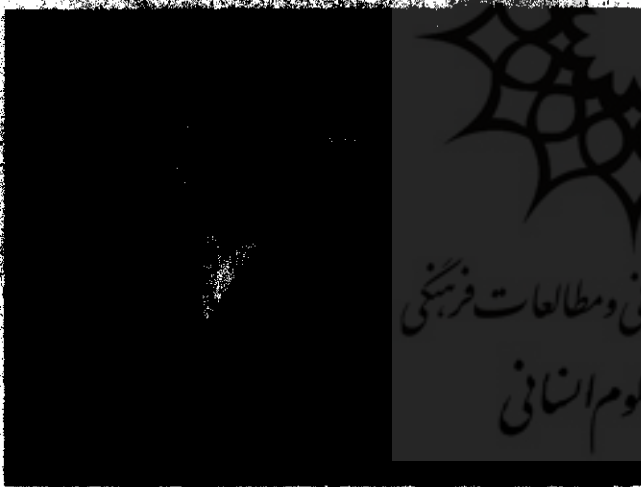
کمیاتی های، لولانسوی و هفت چهارم آن وقت نمی کشید. من خواستند این فکر که گروهی وقت به بیست کمیاتی به جای یک کمیاتی، به نفع من ماست. بسیار بسیار خواه بود. دکتر بقایی نیز به فراخترت همین پندهای عمل کنی، او هر روز نامه می نوشت که قرار بود خود ملاقات را اولی که کنی، اما من نمی توانم با فروشیم، بلکه برای فروش باید این را به کنسرسیوم بین المللی بدیم. زیرا خود ایرانی ها نمی توانند بازار را کنند. (۲۱) آنگاه در شرایطی که غرب از امر و ابزار نفتی بر اثر این حادثه بگریزید و با منی هر کشور، ما دستگیر می کردیم و نفت را از او می برای به دست می آوردیم. قرار داده بودند و در زمان آن حزب بوده و سازمان دانشجوئی و دانش آموزی این حزب روشی از آقام ۲۰ تیر ۱۳۳۱ در میان ما شعار بود که بر مصدق من طلاقت و مصدق را نکند. امرالیم جوانی عمرانی می کردند چه امراری در فروش نفت وجود داشت؟ آیا می توانستیم که دولت ملی بیگانه نفت بود؟

از کودتا بخشی از بازار را به سرشان خراب کردند. بازار را به فصل از نفت است دفاع می کردند و میظلمین همان کسانی بودند که با مخالفی جهانی مربوط بودند. برای علت نامگذاری جزیره چنگستان این بود که در مقابل حزب توده ظاهر کنند که آنها هم طرفدار و مخالفان، کارگران و زحمتکشان هستند. این نامگذاری در حقیقت نوعی عوام فریبی بود. بنابراین به خاطر نام حزب زحمتکشان تصور می کنند که این حزب، حزبی است که در حالیه که حزب زحمتکشان حزبی نیست بوده این حزب طرفدار وضع موجود و به شدت مخالف جنابیت استعلاست بود. این را همه میگویند که ظاهراً نام حزب زحمتکشان به پیش نهاد خلیل ملکی بود اما یکی همان طور که بعد از ما معلوم شد سرور بخش شخصی شاه قرار گرفته و در مبارزاتی ضائق بود. منظور من این است که حزب زحمتکشان بعد از اخراج خلیل ملکی و دستگیری مطلقاً حزبی را ستاد گزید و ممکن است این حزب باقی را خورد. وقتی باقی در دوره شریعیه امی استتگر شد گفتند به بار باج و تخت به طاعت را تحت داده است و او اعتقاد داشت که در جنگ شدی که مملکت شرق و غرب در چنین است. ایران باید جانب فریب بگیرد و دیگر این که معتقد بود آنها تشکیلاتی که توانایی برقراری نظم و تسخیر ایران را دارند در نظام سلطنتی است. باقی بر این باور بود که در نظام سلطنتی، شاه باید حکمراست کند. تسلطت است. چه چنین دلیل برای این ادعا نیز این موضوع است که هر زمانی شاه در کشور قریب می گوشت و حکومتی نیز سکوت اختیار می کرد و خرابی نمی زد. به عنوان مثال در دوران نخست وزیر ی هویا هیچ سنجشی از دکتر بقایی نیستید. چرا که در آن دوره شاه عملاً به اوضاع مسلط بود. دکتر بقایی فقط در ۱۲ اسفند سال ۱۳۵۳ نامه ای

خطاب به شاه می نویسد و در آن نامه به شاه می گوید که تأسیس حزب دستاویز سلطنت شما را به خطر می اندازد. چرا که تأسیس حزب باعث بیفایر با قانون اساسی مشروطه است. در سال ۱۳۵۵ نیز در اعتراض به تبدیل تقویم تاریخ هجری شمسی به تاریخ شاهنشاهی می گوید که جامعه ایران جامعه ای مذهبی است و بیشتر مردم ایران نیز مسلمان هستند. وی مطرح می کند که اگر شما قصد دارید با نفوذ کمونیسم مبارزه کنید، باید این وضعیت را حفظ نمایید نه این که بهانه به دست مخالفان بدهید. چرا که در صورت به هم ریختن اوضاع کشور، ریشه نهایی بلوک شرق خواهد بود. در حقیقت آن چنان که علیه گمان می کنند، مخالفت وی از موضع اسلام گرایی و دینیت و تقوا بوده بلکه از این نگران بود که مملکت به دست کمونیست ها بیفتد. هر گسی که کوچکترین بخشی در مورد عدالت اجتماعی می کرد، از نظر وی ستون پنجم شوروی به حساب می آمد. این خطی بود که توسط جواد دهر از دوره جنگ دوم جهانی تقلیب می شد. او کارشناس سیا و مشاور ژنرال چورچ آلن و جان وایلی سفیر امریکا در تهران بود. توجه داشته باشید امریکا برای این که هژمونی خود را در ایران اعمال کند به یک دشمن فرضی نیاز داشته. دهر این دشمن را تراشید و برخی رجال سیاسی ایران را هم دنبال خود کشید.



شمس قنات آبادی (در حال سخنرانی) به همراه حسین مکی و علی زکریا در یکی از نشست‌های علمی



بقایی و زلیخ زاده در آمریکا

مطالعات فرهنگی
مومنانی

۱. روزنامه و مجله از زمان حزب توده ایران، ش ۱۳۵۷ مورخه ۱۳۲۷/۱۳۲۸، مذهب اسلام در نظر ما.
۲. در مورد تحلیل بقایی از حوادث دوره انقلاب بنگرید به مقاله، حزب و جنبش‌های ملت ایران و انقلاب اجتماعی از همین علم، نشر فصلنامه مطالعات تاریخی، سال اول، ش اول زمستان ۱۳۸۲، صص ۲۹-۲۲.
۳. مجموعه‌ای از این اسناد را در مجموعه اسناد آزاد شده وزارت امور خارجه آمریکا در نامه‌های جورج آن با این مشخصات می‌توان یافت: Box 12841, Records Group 58-16360, papers of George Valon, Y. Harry S. Truman Library, Mexico Chapter.
۴. زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی، ص ۱۵۸، خاطرات دکتر مظفر بقایی کرمانی، نه‌صاحبه گفته، حبیب لاجوردی، نشر علم، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۲۶.
۵. خاطرات دکتر مظفر بقایی، ص ۹۷.
۶. بوری مدوین، پنج دوست کمربندی من، ترجمه احمد کسائی بوز، نشر کتابخانه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۶۵.
۷. شرح پیشین، ص ۱۶۶ به بعد.
۸. زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی، ص ۸۸.
۹. ایران همراه با مرتضی خان مستقیم کاظمی در دوره تحصیل در ایران، کتابخانه فرهنگستان، نشر من و فرهنگ از استبداد مغز، دفاع من و فرهنگ رهاخان و بیستباری ایران می‌خواند.
۱۰. خاطرات دکتر مظفر بقایی کرمانی، ص ۲۱۱.
۱۱. دولت ایران و شخص‌های مهاجر آلمانی، به آگوش و رضا آذری شهرستانی، سازمان اسناد ملی ایران، تهران، ۱۳۷۲.
۱۲. ماکس نوربرگ، فاضل و پیام واکس و غیره، مؤسسه انتشارات ایران، پوریا، از طرف مؤسسه ویرایش و ترجمه، پوریا، هر چند این اسناد به‌تازگی با بقایی جلسات بر روی آید، در ایران